

اولویت‌های تشکیلات کردستان حزب! مصاحبه با رحمان حسین زاده



نیست. اسناد این کنگره فقط جهت گیریهای عمومی را طرح نکرده اند، بلکه استنتاجات بسیار کنکرت برای عمل مستقیم کل حزب و از جمله تشکیلات کردستان حزب است. اتفاقاً تشکیلات کردستان به دلیل موقعیت قویتر سیاسی و اجتماعی و دخالتگرانه اش در جامعه کردستان، اهرمهای موثر تاثیر گذاری برای تغییر تناسب قوا به نفع مردم، از موقعیت مساعدتری برای مادیات بخشین مصوبات کنگره بهره مند است. آن حلقه مشترکی که کل مصوبات کنگره را به هم میبافد در این دو محور اساسی منعکس است که اولاً: حزب حکمتیست میخواهد پرچمدار سرنگونی جمهوری

صفحه ۴

استنتاجات شما از جهت گیریها و مصوبات کنگره اول حزب حکمتیست برای فعالیتهای تشکیلات کردستان چیست؟ و در همین راستا اولویتهای عملی و اساسی این دوره کمیته کردستان چیست؟

رحمان حسین زاده:
جهت گیریها و همه مصوبات کنگره اول حزب مستقیماً مبنای پراتیک تشکیلات کردستان حزبند و احتیاجی به حلقه واسط "استنتاجات دیگری"

اکتبر:

و در واحدهای سه و تا چهار و پنج نفر جمع شوند. هر واحد فرمانده خود را داشته باشد. اکنون مشکلات اولیه کنار زده و نطفه های يك ارتش توده ای مسلح تشکیل شده است. ایجاد واحدهای گارد آزادی در شهرها و مناطق کردستان در آغاز مثل قدم گذاشتن در قلمرو ناشناخته بود. این تجربه جدید از توافق تک تک اعضای واحد گارد و تامین جنبه های اعتماد و اطمینان اولیه، تا چگونگی دسترسی به سلاح و امکانات کار، تا اقدامات عملی ابراز وجود علنی و مسلحانه در محلات شهرها و در میان مردم و تا تجربه کردن تاکتیکها و شگردهای کار از شروع و حرکت برای حضور در میان مردم و خروج از محله و تامین امنیت کامل و ... همه اینها میبایست گام به گام تجربه شده و به عمل در آید. اکنون دیگر تکرار و

گارد آزادی در آغاز راهی باشکوه!



مظفر محمدی

خود بگویند که ما در میان شماستیم، اگر نقابمان را برداریم ما را میشناسید. فرزندان و دوستان شماستیم. به نیرویمان باور کنیم. به گارد آزادی بپیوندید!

مدت زیادی از شروع کار گارد آزادی نگزشته است. واحدهای گارد هنوز به اندازه لازم گسترش نیافته اند. هنوز این نوع کار مانند دیگر روشهای شناخته شده مثل پیشمرگه‌گی‌تی و یا روشهای چریکی و غیره، فاقد تجارب و سنتهای خاص خودش است.

از همان آغاز کار میبایست می‌گفتیم و نشان میدادیم که برخلاف انواع شیوه های مسلح جدا از مردم، راهی هم وجود دارد که مردم اعم از کارگر و جوان و کارمند و زن و مرد میتوانند در محل کار و زندگی خود باشند و در عین حال مسلح هم باشند

صدای آزادیخواهی فرزندان مردم دیروز در محلات و خیابانهای مهیاب و سنج و مریوان و کامیاران و امروز واحد بهاران گارد آزادی باز هم در سنج کارگران و جوانانی که خسته از کار روزانه با همان لباس کار و روزمره شان، با سرو روی بسته اما با چشمان باز و پر از اشتیاق به آزادی مردم، اسلحه هایشان را بردوش میکشند و به میان مردم میروند تا به آنها بگویند که ما ساکن چند کوچه انظرقترو همشهری و همسرنوشتان همیم. تا به همشهریان

اتحاد و همبستگی کارگری نیاز عاجل جنبش کارگری در مقابله با کارفرمایان و دولت!

سعید یگانه

مبارزه و اعتصاب کارگری به ابعاد جغرافیای جامعه ایران وجود دارد. هر روز دهها اعتصاب و مبارزه کارگری در اعتراض به بالا کشیدن حقوق کارگران، در اعتراض به اراج و بیکار سازی، در اعتراض به قرار دادهای موقت کاری صورت می‌گیرد.

سؤال این است که چرا این اعتراضات عموماً یا به حداقل خواستهای خود می‌رسند و یا بی نتیجه و سرکوب می‌شوند؟ علت آن روشن است. کارگران در این اعتراضات عموماً تنها می‌مانند. بخش‌های دیگر

صفحه ۲

اقدام حمایتی نساجی و شاهو و انجم برق و فلز از کارگران اعتصابی تا این حد، حرکتی مهم و اقدامی جسورانه در نفع از کارگران و در حمایت از خواست و مطالبات آنها، دلگرم کننده و امید بخش است.

این حرکت آنهم در سطح چند کارخانه و بشیوه فرمانطقه‌ای روزنه امیدی به روی جنبش کارگری باز کرده است و انعکاس آن در میان کارگران، بدون شک بر فضای جنبش مطالباتی کارگران تاثیر قابل ملاحظه‌ای خواهد گذاشت. این حرکتی بود که جنبش کارگری چشم انتظار آن بود و همسرنوشتی طبقاتی کارگران را با نمایش گذشت. حقیقت این است که اعتراض و

کارگران شرکتهای پارس کیهان و پارس تدبیر فن در پتروشیمی کرمانشاه در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان دست به اعتصاب متحدانه‌ای علیه کارفرمایان زده اند. این اعتصاب تا به حال مورد حمایت کارگران کارخانجات نساجی کردستان، ریسندگی شاهو سنج و انجم صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه قرار گرفته است.

کارگران نساجی و شاهو نامه حمایتی خود، اعلام کرده اند که چنانچه لازم شد به اعتصاب آنها خواهند پیوست و از هیچ کمک و تلاشی برای اینکه کارگران اعتصابی به مطالباتشان برسند دریغ نخواهند کرد.

اکتبر با اسد گلچینی، در رابطه با ۱۶ آذر!

اکتبر:

موجودیتش با خواست و نیاز اکثریت مردم ایران متناقض است و وصله ناجوری بر این جامعه است و غیر از این وحشی‌گری‌ها و سرکوب برای جلوگیری از بیان آزادانه نظرات و عقاید جوانان چیز دیگری نمیتوان متصور کرد. بدون اینها جمهوری اسلامی وجود نخواهد داشت. می‌خواهم بگویم که این شرایط هست و اعتراض هم هست، ما کمونیستها و هر آزادیخواهی این را میدانند و بخش مهمی از مبارزه ما برای شکستن این فضا ست. بخش مهمی از کار ما گذاشتن سد در مقابل این حملات است و تصمیم ما در هم شکستن

۱۶ آذر روز دانشجو مصالفاً با فعالیتها و حرکات اعتراضی در دانشگاه است، تعرضات اخیر حکومت اسلامی به دانشگاهها و ایجاد فضای رعب وحشت و اختناق و سرکوب کردن را دامن زده و هر گونه حرکت اعتراضی و آزادیخواهانه را هدف قرار میدهد، در کردستان این وضعیت چگونه است، با توجه به این وضعیت چشم اندازی برای برگزاری ۱۶ آذر هست؟

اسد گلچینی

کل این موجودیت و هر حرکت کوچک و بزرگش هم بوده است. ۱۶ آذر هم برای ما و همه

بر قرار کردن این وضعیت چه در دانشگاه و چه در جامعه، از خصوصیات و ماهیت این رژیم اسلامی بوده است. رژیمی که همه

واحد "بهاران" گارد آزادی در خیابانهای شهر سنج!

مرگ یک کارگر و یک حادثه! حکم اعدام صدام حسین.... کارگران فصلی دماوند، اینبار هم در گذشت یک کارگر!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



تداوم این کار برای واحدهای جدید آسان و اساتر شده اند. از طرف دیگر گارد آزادی در جلو چشمان نابور مردم به عنوان موجودیتی قابل مشاهده و لمس تبدیل شده است. یعنی در حقیقت هم تشکیل دهندگان واحدهای گارد، شدنی بودن این تجربه را بلور کرده اند و هم این پدیده جدید و این شیوه متفاوت مبارزه، دارد به بلور توده و وسیعتری از مردم تبدیل میشود.

گارد آزادی هم اکنون از تنوری به واقعیت و از حرف به عمل در آمده است. اکنون میتوان گفت که گارد آزادی، حضور مسلحانه علنی آن و حتی حضور غیرمسلح اما قابل لمس تگ تک اعضای فعال و با اتوریته آن در میان جوانان و مردم محلاتی از شهرها میروند تا به بخشی از مبارزه

مردم علیه استبداد و ارتجاع تبدیل شود.

با وجود این تا زمانی که گارد آزادی به تحرکی عظیم توده ای تبدیل شود هنوز کار میرود. باید گزدهای گارد آزادی در شهرها و مناطق، بعنوان پشتوانه ای محکم در کنار اعتراضات کارگری و توده ای امروز مردم علیه تعرضهای مداوم رژیم و نهادهایش به حقوق و آزادیهای مردم، تبدیل شود. باید ارتش توده ای گارد آزادی، ستونی محکم برای دفاع از آزادی و حرمت انسانی مردم در مقابل جریانهای قومی و مذهبی و زورگو در فردای سرنگونی و فروپاشی نظام اسلامی حاکم باشد. تحقق این امر اما کار یک سال و چند سال نیست. کار هفته ها و ماههای آتی است. شاید این مبالغه و

با آرزو تلقی شود، اما برای کسانی که کمر همت به تحقق این امر انسانی بسته و مینندند کاری دشوار امامکن است.

حضور واحدهای گارد آزادی تا کنون در شهرهای مهلباد، سنندج، مریوان و کامیاران و تداوم و گسترش این ابراز وجود مردمی که در عین اینکه مشغول کار و زندگی عادی و روزمره شان هستند، نشانه عملی و ممکن بودن این اقدام آزادیخواهانه است. واحدهای کنونی گارد ستون فقرات گردانها و متعاقبا ارتش توده ای مسلح است. این تا کنون به بلور طیف گسترده ای از مردم جامعه ما تبدیل شده است. واحدهای گارد یکی پس از دیگری تشکیل میشوند، بخش زیادی از مردم از دور و نزدیک به آن امید بسته

اند. در میان گرایشات گوناگون اجتماعی حتی آنهاييکه با ما اختلاف هم دارند به گارد آزادی با سمپاتی برخورد میشوند. این نشانه این واقعیت است که گارد آزادی میتواند نقش بسیار مهم و نجات دهنده جامعه ما از خطر از هم گسیختگی مدنیت داشته و به مانعی جدی در مقابل تعرض به آزادی و حرمت انسانها تبدیل شود.

باید به پیشروان این مبارزه عادلانه و انسانی و تعیین کننده که دست بکار شده اند تا به نابوری توده ها به نقششان و دخالتشان در سرنوشت خود خدشه وارد کنند و امید و اعتماد به خود را در میان مردم زنده کنند، درود فرستاد. باید دست همه کسانی را که به این شکل مبارزه و اعتراض و تضمین امنیت مردم و جامعه

سمپاتی نشان داده و میدهند، فشرده. این دلگرمی بزرگی برای همه ما است که این راه دشوار اما شدنی را پیماییم. راهی که ضامن پیروزی مردم بر دشمنان انسانیت است. این يك وظیفه آزادیخواهانه، اجتماعی و انسانی است که گارد آزادی را تقویت کنیم، تشویق کنیم، گسترش دهیم و به آن پیوندیم!

مظفر محمدی

۱۴ آبان ۸۵ (۴ نوامبر ۲۰۰۶)

کارگران فصلی دماوند، اینبار هم در گذشت یک کارگر!

روز افزون کارگران و حوانتی که در برابر زندگی این انسانهاست، مرگ شفیع و شفیعهها همگی ثمره نظام ارتجاعی جمهوری اسلامیت

سرنگون باد نظام سرمایه داری
سرنگون باد جمهوری کثیف اسلامی

وریا صدر پور

خانواده اش و برای اینکه بتواند نان آور ملدیر و خواهرانش باشد هر ساله فصل بهار تا پاییز را به کارگری در شهر دماوند همانند صدها انسان همنوع خود مشغول بود. او یکسال پیش زندگی مشترکش را تشکیل داده بود و به همراه همسرش در دماوند سکونت داشت. که متأسفانه در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۸۵ به علت گاز گرفتگی در خانه کارگریش در گذشت و جسد او توسط صدها کارگر از شهر دماوند به سنندج (روستای آویهنک) انتقال داده شد. مرگ این جوان کارگر قلب هزاران انسان را بدر آورد و اولین و آخرین قربانی نظام کثیف سرمایه داری خواهد بود. فقر، ناداری، تعداد

انتظامی و اطلاعات به تجمع کارگران در میادین، حوادثی که این کارگران را به کام مرگ میکشد. ریزش معن و مرگ چند کارگر سقوط کارگری از ساختمان چند طبقه، تصالف و مرگ چند کارگر، ریزش چاه و مرگ یک کارگر..... و اینبار هم مرگ جوانی ۲۷ سال شفیع صوفی در دوران کودکی پدرش را به علت کار سخت در همان شهر دماوند از دست داد بعد از مرگ پدر ملارش با عمومی پیرش از نواح کرد شفیع زندگی عادی را در خانواده عمومی ادامه داد و تحصیلات را در سوم راهنمایی به پایان رساند. به علت فقر ناداری

هر سال شاهد آمدن درگذشت کارگرانی هستیم که دنیای کثیف سرمایه داری آنها را برای تامین ابتدائی ترین نیازهای زندگی شان تبعید کرده است.

شهر دماوند هر سال میزبان کارگرانی از شهرهای کردستان، لرستان، کرمانشاه، بجنورد و غیره است. صدها انسان به امید اینکه امسال کارشان بتواند بهتر از پارسال باشد از شهر و خانه هایشان دور شده و برای کسب در آمدی که شهر دماوند میروند میروند بیکاری، تجمع هر روزه در میادین برای رفتن به کار، زندگی در خانه های غیر بهداشتی و ایمنی، تعرض هر روزه نیروهای کثیف



دانشجویان مبارز مهم است. روزی بر علیه استبداد و اختناق و روزی برای گذاشتن صف اتحاد در برابر این شرايطی است که جمهوری اسلامی بر جامعه و دانشگاه غالب کرده است. اینکه در ۱۶ آذر چگونه اعتراضی و با چه خواستهایی برگزار میشود در حال حاضر و با توجه به فضای رایجی که هست ثانوی است. این دقیقاً بستگی دارد به اینکه چه خواستی و چه فضایی بر حرکات اعتراضی این روز مسلط است یا بیشتر جاری است. به نظر من آنچه مهم است ۱۶ آذر باید پا برجا باشد. با هیچ بهانه و محدودیتی نباید کنار آمد، با هیچ تردید و ناامیدی نباید کنار آمد و حقانیت و اعتماد بنفس همه فعالین دانشجو را باید آنچنان تقویت کرد که به ایجاد اتحادی مهم منجر شود. این کار ما حکمتیست هاست. ۱۶ آذر را باید به روزی برای آزادی و برابری یعنی چیزی که از هر شهر و دند جامعه بررسی آنرا طلب میکند، و برای هر دانشجو و روشنفکر جدی جامعه ما حیاتی است، تبدیل کرد. این بهترین تلاش برای سد گذاشتن در مقابل

آیا اینکه ۱۶ آذر میتواند به خارج از دانشگاه و یا خارج از محدوده تجمع های دانشجویان برود. این دقیقاً بستگی به رابطه ایی است که گروه های مختلف دانشجویی با مردم و فعالین آنها در عرصه های مختلف دارند. اگر این چنین رابطه ای که بسیار طبیعی است که وجود داشته باشد ولی متأسفانه ضعیف است، پس نمیتوان انتظار داشت که ۱۶ آذر در میادین و محلات شهرها هم معنی داشته باشد. اما آنچه مهم است این است که ما و همه فعالین دانشجو متوجه این ضعف باشیم که ۱۶ آذر را باید به میان مردم برد اطلاع داد و از هم اکنون اعلامیه و بیانیه های دانشجویان وسیعاً به مردم این اطلاع را برساند. پیوند و ارتباط بین رهبران کارگران و فعالین جوان در شهرهای کردستان با دانشگاه امسال به همت کار آگاهانه ما باید جان تازه ای بگیرد. این کاری دو طرفه است و کارگران و فعالین اجتماعی دیگر که درد مشترکی با دانشجویان دارند باید متوجه شوند که ۱۶ آذر روزی برای بهم بافتن این اعتراضات است و برای سازمان دادن آن بی وظیفه نیستند.

سازمان دادن جامعه برای آزادی و برابری، در همه وجه این جامعه و در هر تک اعتراضی هم امکان دین و بدست گرفتن و به ان امیدوار شدنش وجود دارد. اکنون دیگر ترویج از این نباید داشت که اگر ما در دانشگاه به سراغ همه گروه ها و دانشجویان با گرایشات و نظرات متفاوت برویم پرچم ۲ خرداد و یا ناسیونالیسم و یا ... را تقویت کرده ایم، نه این ممکن نیست چرا که نه پرچمی بر افراشته است و نه آنها امید به حرکت در آوردن نیروی اجتماعی و توده ای در مقابل رژیم ایجاد کردند. اهلهش نبودند، اهداف دیگری غیر از خواست جامعه داشتند و شکست خورده و حاشیه ای شدند. اینچنین فضایی و شرایطی در حال حاضر جز شرایط کار ملست و این امکان داده است که فعالیت دانشجویان کمونیست و چپ در دانشگاه های کردستان نیز دامنه دار تر و رادیکال تر بشود. به همین دلایل فعالیت های گسترده و متنوعی برای بر پایی ۱۶ آذر باید در جریان باشد و تا این روز فرصت خوبی برای گرد آوردن بیشترین نیرو و برگزارای بزرگترین تجمعات است.

داشته باشد و یا در جمعیتی سخنرانان با اهداف و شعار های مغفولتی حرف بزنند، همه اینها برای ما بعنوان سازماندهندگان این اعتراض معین باید روشن و قابل فهم باشد. اتفاقاً فضایی این چنینی شدت به شرایط مناسب تر برای شکستن فضای خفقان کمک میکند. این ما را قادر به فراخواندن و گرد آوردن همه کسانی که میخواهند برای ۱۶ آذر فعالیت داشته باشند میکند. ما را قادر به ارتباط گیری وسیع برای سازمان دادن این روز بین همه کسانی که میخواهند در اینروز کاری بکنند خواهد کرد و همچنین موقعیت مناسب تری برای هر کسی و هر جمعی که قادر به این کار شود فراهم خواهد کرد. این وضعیت را ما باید بیش از همه متوجه باشیم. کمونیستها باید این را بیشتر از همه متوجه باشند. ببینید در شرایطی که راه حل های مختلف همه جریانها و احزاب و جنبشهای از ۲ خرداد تا ناسیونالیست و ملی و راست و ... اساساً با پرچم ۲ خرداد و بعدها با پرچم امید به آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی راه به جایی نبرند و شکست خوردند، راه حل ما، یعنی

مرگ یک کارگر و یک حادثه! رسول بناوند

روز حائنه رحیم ابراهیمی و شهرام محمدی چپانه کارگران کارخانه در نزدیکی یکی از کوره های تولید بخار مشغول به کار بودند که انفجار ناگهانی کوره محوطه را به جهنمی سوزان تبدیل کرد. شدت انفجار سایر کارگران و نهایتاً گروه امداد را به محل حادثه هدایت کرد اما شدت جراحات و آسیب بینی ناشی از سوختگی چنان عمیق بود، شانس برای قربانیانش باقی نمی گذاشت و علائم تلاش دکترها، رحیم ابراهیمی اهل روستای درپکه، از توابع پیرانشهر، بعد از چند روز مقبله با مرگ، بر اثر جراحات وارده در بیمارستان جان خود را از دست داد و شهرام محمدی چپانه اهل نقده همچنان تحت معالجه قرار دارد. مدیران کارخانه بنیال حادثه افسوس کنان تا توانستند از حادثه گفتند و تاثر و ناراحتی خود را به همگان اعلام کردند. حادثه بود! کاریش نمی شد کرد! خدا اینطور می خواست! اگر یک کمی دقت می شد شاید رخ نمی داد، و اینکه آنان عمیقاً متأثر و شریک خسارات و آندوه خانواده قربانیان هستند. کسی چه می داند، شاید هم واقعا از بابت آنچه روی داده است متأثر هستند. مسلماً هیچ مدیر و رئیسی از رخ دادن چنین پیشامدهایی خوشحال نیست. اما این همدردی اگر ریاکارانه نباشد، کدام خلا ناشی از این حادثه در زندگی این خانواده ها را جبران می کند، کدام اطمینان به ایمن تر شدن محل کار را به کارگران کارخانه خواهد داد؟ و

کارخانه قند پیرانشهر که تولید شکر از فرآورده های اصلی آنست، در طول حاکمیت جمهوری اسلامی بارها مسئله فروش و انتقال آن به مناطق دیگر یکی از اهرمهایی بوده که بالای سر کارگران کارخانه و مردم منطقه نگه داشته شده است.

امروز تولید الکل صنعتی و خوراک حیوانی به فرآورده های این مرکز اضافه شده و تعداد کارگران آن نیز افزایش یافته است. مجموعاً 135 استخدام رسمی در این مرکز وجود دارد و این رقم نصف تعداد کارگرانی است که بطور دائم مشغول به کار هستند. در فصل بهر برداری که معمولاً از اول شهریورماه شروع شده و تا دی ماه بمدت 4 ماه ادامه دارد شمار کارگران به حدود 500 نفر می رسد. در فصل بهره برداری کارخانه بصورت دو شیفته 13 ساعت شب و 11 ساعت روز کار می کند که هر دو هفته یکبار شیفته عوض می شود.

روز سی ام شهریور 1386 ساعت یک و نیم بعد از ظهر انفجاری کارگران کارخانه قند پیرانشهر را غافلگیر و به شدت شوکه کرد. این حادثه که مصادف بود با شروع فصل بهره برداری کارخانه در سال جاری، با حادثه دیگری دنبال شد که چند روز بعد با فرو ریختن دیوار یکی از انبارها بیش از 30 خودرو کارکنان کارخانه به زیر آوار رفت. خوشبختانه در ماجرای دوم به کسی آسیب وارد نشد.

هنوز سوالات فراوانی در مقابل مدیران و کاربستان می توان قرار داد. کدام استاندارد ایمنی برای جلوگیری از بروز چنین حوادثی بکار گرفته می شود و کدام روتینهای امنیتی اعمال می شود و یا باید مورد تجدید نظر قرار داده شود؟ مسوولیت کارخانه در قبال قربانیان و خانواده های قربانیان چنین حوادثی چیست؟ خسارت این رویداد را کی باید جبران کند؟

و واقعبیت این است که شرایط محیط کار و قوانین ایمنی محیط کار در قوانین کار جمهوری اسلامی از استاندارد شایان وصفی برخوردار نیست و در ضمن آنجا که به کارخانه و کارگاه های کوچک بر می گردد خصوصاً مراکز پراکنده، کسی چندان بدهکار اعمال قوانین موجود هم نیست. و اما بدتر از آن شرایط برای کارگران موقت است که چندان شمول حتی قوانین بشدت تبعیض آمیز کار جمهوری اسلامی هم نمی شوند.

در مورد دوم تاکنون کارخانه تعهدی در قبال خسارت وارد بر این دو کارگر و خانواده هایشان بعد از نه گرفته است. یعنی در واقع خسارتی به آنان پرداخت نشده است. تنها خدمتی که اینها روا داشته اند این بوده که بنیال مرگ رحیم ابراهیمی یکی از پسران او با قرارداد موقت بجای پدرش پذیرفته شده است. و اما شهرام محمدی که اخیراً به سر کار باز گشته است و هنوز جراحاتی بر بدن دارد، بدون توجه و تکلیف مانده است.

واقعبیت این است شرایط کار در این کارخانه همانند بسیاری از مراکز کار در ایران بشدت شاق، سنگین و غیر انسانی است. اکثریت عظیم کارگران آن یعنی بیش از 300 نفر

دارای قرارداد موقت هستند. شرایط فلاکت باری که از سایه حاکمیت رژیم اسلامی بر توده های کارگر و زحمتکش ایران تحمیل شده است، تن دادن بخش عظیمی از کارگران به دشوارترین شرایط کار، نا امن ترین محیطهای کار، دستمزد پایین و ساعت کار طولانی برای حفظ همان موقعیت برنگی موجود را میسر کرده است. حفظ شغل و تأمین لقمه نان احتیاج روزانه خانواده متأسفانه ارجعیت دارد. خیلی

از خواسته ها و مطالبات ضروری و بر حق کارگران، از جمله بهره مند شدن از همان امتیازات کارگران رسمی آرزوی دائمی بقیه کارگران است. تغییر این تناسب قوا به همت و بمیدان آموختن جنبش کارگری در مراکز قدرت کارگران در سطح سراسری گره خورده است. اما در سطح محلی و در نمونه های مشابه کارخانه قند پیرانشهر اتحاد کارگران رسمی و موقت بزرگترین ضامن و تضمین کننده بهتر کردن شرایط محیط کار و تحمیل خواست کارگران به مدیران میباشد، تجربه که بارها در همین کارخانه کارگران شاهدش بوده اند و اگر نه از نگاه صاحبان کار شرایط بد کار کارگران علاوه بر درجه از سود دهی کارخانه، چنانکه در مورد کارخانه قند پیرانشهر چنین است، آنها را متقاعد به تغییری به نفع کارگران نخواهد کرد. و تپاه شدن جسم و جان کارگران و حوادث ناشی از نا امنی محیط و جان باختن علی ابراهیمی ها هنوز برای آنان اعلام یک حادثه است و بس!

6 نوامبر 2006

اکتبر، شماره ویژه کنگره اول حزب حکمتیست بزودی منتشر خواهد شد!

به کمیته کردستان حزب حکمتیست کمک مالی کنید!
کمک های مالی خود از طریق ممکن بدست ما برسانید!

اعتصاب کارگران در بخش های دیگر حمایت کنیم. هیئت نمایندگی برای حمایت از کارگران اعتصابی بفرستیم. در کارخانه خود اعلام کنیم که امروز ما کارگران شاهو، نساجی شرکت واحد و غیره به نشانه حمایت از کارگران پتروشیمی کرمانشاه به مدت دو ساعت دست از کار می کشیم صندوق کمک مالی به اعتصابیون ایجاد کنیم تا فقر مبارزه آهارا فلج نکنند دهها حرکت و تجارب دیگر کارگری که کمک می کند این مبارزات هر چه بیشتر از پراکندگی در بیاید و متحد و قدرتمند شود. امروز مسئله اتحاد و همبستگی سراسری در مبارزات کارگری یکی از مشکلات جدی و گره گاههای اصلی جنبش کارگری است و کارگران همیشه از آن رنج برده اند. حرکت حمایتی نساجی و برق و فلز کار و شاهو در این راستا مهم است. زنده باد کارگران برق و فلز کار، نساجی و شاهو!

سعید یگانه 6.11.2006

امنیتی جلو در حاضر می شوند و کارگران را تهدید می کنند. در مقابل این وضعیت چکار باید کرد. اگر کارفرما و سرمایه داران دولت و پاسدار و پلیس را دارند که در مقابل کارگران از آنها حمایت می کنند، ما ابزاری جز قدرت اتحاد و همبستگی کارگری برای مقابله و پیروزی بر آنها را نداریم. کارگران نساجی کردستان و ریسندگی شاهو در سندج مبارزه زیادی را تا به حال پشت سر گذاشته اند. درد تنهایی در این رویارویی را چشیده اند و فردا باز کارفرمایان دوباره به سراغشان خواهند رفت. مادام ستم سرمایه داری و سرکوب هست، این کشمکش وجود دارد. اما کارگران برای پیروزی چاره ای جز اتحاد و همبستگی ندارند.

چاره ای نداریم، از اعتراض و مبارزه همدیگر حمایت کنیم در روزهای سخت به داد همدیگر برسیم. سنگر واحدی را در مقابل کارفرما و دولت ببینیم. اتحاد و تشکل علیه بیکاری را به وجود بیاوریم و آن را سراسری کنیم. از

دستگیر و شکنجه و آزار دادند اما باز مقاومت و ایستادگی کردند، مراکز مهم کارگری از آنها حمایت نکردند و آنها را در مقابل وحشیگری رژیم تنها گذاشتند. تجربه ای اگر در این مبارزه هست و هر بار به قیمت گران برای کارگران تمام می شود، عدم اتحاد و همبستگی در میان بخشهای مختلف مراکز کارگری است و کل جنبش کارگری ایران از آن رنج می برد.

جمهوری اسلامی و سرمایه داران فقر و فلاکت بی سابقه ای را به کارگران تحمیل کرده اند. زندگی آنها را به گرو گرفته اند و کارگران را وادار می کنند برای امرار معاش تن به هر گونه بی حقوقی بدهند. این شرایط اسفباری است که به کارگران تحمیل شده است. کارگران در مقابل این همه اجحاف و بی حقوقی نمی تواند ساکت بنشینند. دست به اعتراض می زنند، به این تصویر رژیم سرکوبگری را اضافه کنید، که به محض اینکه کارگر دست به اعتراض می زند بلافاصله دولت و پاسدار و پلیس و انرأت

همبستگی کارگری... از ص ۱

کارگری از آنها حمایت نمی کنند. در روزهای تنگ و در شرایطی که کارگران در یک مرکز کارگری از همه چیز مایه می گذارند و به مصاف کارفرما و دولت می روند، کارگران بخش های دیگر به دانشان نمی رسند و از آنها حمایت نمی کنند. کارگران ناچارند به تنهایی با کارفرما و توطئه هایش، با دولت و پاسدار و ادارات امنیتی رژیم در بیفتند. تهدید به اخراج و دستگیری رهبران این اعتراضات، سرکوب لحظه به لحظه کارگران و در کنار آن فقر مالی برای ادامه اعتصاب و مبارزه عواملی هستند که کارگران را در ادامه مبارزه ناتوان می کند و در موقعیت شکننده ای قرار می دهد. مبارزه چند ماهه کارگران شرکت واحد در سال گذشته نمونه بارزی از این مبارزت بود. همه شاهد بریدیم که چگونه متحدانه در مقابل کارفرما و دولت ایستادگی کردند. رهبران آنها را یکی پس از دیگری

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

واحد "بهاران" گارد ازادی در خیابانهای شهر سنندج!

امروز جمعه ۱۲ آبان ماه ساعت ۶ و نیم بعد از ظهر واحد "بهاران" گارد ازادی در محله کانی کوزه و خیابان کمربندی عباس آباد در میان مردم حضور یافتند. ابتدا ماشینهای زیادی که از این خیابان پر ازدحام و ترافیک عبور میکردند با مشاهده واحد مسلح گارد توقف کرده و از ماشینهایشان بیرون آمدند و دور اعضای گارد حلقه زدند. همزمان مردم

محله که شاهد حضور واحد گارد بودند از خانه هایشان بیرون آمده و به استقبال فرزندان مسلح خود شتافتند. در مدت کوتاهی تعداد زیادی از جوانان و مردم محله جمع شدند. اعضای گارد بروشورهای گارد ازادی و اطلاعیه حزب را به دست مردم میدادند. همچنین مردم شعارهای زنده باد آزادی، زنده باد گارد ازادی را سر دادند. اعضای واحد بهاران گارد ازادی در مورد سفر احتمالی احمدی نژاد به سنندج با مردم حرف زدند و از مردم و جوانان خواستند که اگر این سفر صورت بگیرد پاسخ دندان شکنی به او بدهند و واحد های گارد ازادی در شهر در کنار آنها است.

محله کانی کوزه له و سر نشینان ماشینهای این منطقه به خاطر استقبال گرم و بی نظیر از فرزندان خود سپاسگزار می کند. زنده باد گارد ازادی زنده باد همبستگی مردم از ادیخواه کمیته سنندج حزب حکمتیست ۱۲ آبان ۸۵ (۳ نوامبر ۲۰۰۶)

حکم اعدام صدام حسین گشایش باب دیگری از جنگ قومی و مذهبی در عراق

پرویز ۵ نوامبر دانشگاه دست نشاندۀ رسیدگی به جرائم صدام حسین در عراق، وی را به اعدام با چوبه دار محکوم کرد. این حکم ربطی به اجرای عدالت در عراق ندارد! این حکم پاسخی به کیفرخواست میلیونی مردم عراق، کرد و عرب، شیعه و سنی، علیه جنایات صدام نیست! اولاً اعدام مجازات نیست انتقام و وسیله ارعاب است. ثانیاً صادر کنندگان و

مجریان این حکم خود از مجرم ترین جنایات کاران تاریخ بشر هستند. بوش و بلر باید در کنار صدام به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. انتقام و ارعاب ناشی از اعدام صدام حسین نه تنها بر زخمها و دردهای قربانیان سرکوبها و جنایات دیکتاتور سابق مرهمی نخواهد گذاشت که باب دیگر در جنگ و آدم کشی های قومی و مذهبی و قبیله ای و کشتار افسار گسیخته، در عراق و در خاورمیانه، را باز خواهد کرد. اعدام دیکتاتور سابق عراق، توسط دیکتاتور های کنونی آن، قرار است نقطه عطفی در پیروزی ملیتاریسم و ارتجاع امپریالیستی در این کشور و

معنای "پیروزی" آمریکا باشد. این حکم نه معنای پیروزی مردم که قرار است معنای پیروزی حکمی باشد که خرد کمتر از صدام پرونده جنایت علیه بشریت ندارند. حکم اعدام صدام، حکم مرعوب کردن هر جنبنده ای است که مهر "شمنی" با آمریکارا بر پیشانی خورده است! این حکم نباید اجرا شود. اعدام صدام نه تنها کمترین رگه ای از اجرای عدالت را همراه خود ندارد که بیش از پیش بین مردم عراق به خاطر تعلق مذهبی و قومی تفرقه و نفرت ایجاد میکند و به جنگ و آدم کشی عنان گسیخته قومی و مذهبی از پیش دامن میزند.

عدالت در عراق و رسیدگی به جرم همه جانبی علیه بشریت، صدام و بوش و بلر، تنها و تنها در دست بشریت متمدنی است که علیه اعدام، علیه ملیتاریسم و لشکر کشی فاشیستی، علیه آدم کشان اسلامی و قومی به میدان آمده و قدرت را بدست گرفته است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست 6 نوامبر 2006

با رحمان حسین زاده... از ص

اسلامی ورهبری چپ جنبش سرنگونی را تأمین کند. دوماً به یک حزب سیاسی قوی و توده ای تبدیل شود. تشکیلات کردستان حزب دارای استعداد و توانایی بالایی برای اجرای این دو محور اصلی جهت گیری حزب در این دوره است. به این منظور و در راستای اجرای کل مصوبات کنگره اولویتهای سیاسی و عملی دوره آتی تشکیلات کردستان عبارتند از:

1- تبدیل تشکیلات کردستان حزب به ظرف اتحاد و کانالیزه کردن اعتراض و مبارزه رادیکال بخشهای معترض جامعه، تبدیل منشور سرنگونی و مفاد آن به پرچم هر اعتراض و مبارزه ای علیه جمهوری اسلامی و در جهت سرنگونی آن.
2- به دست گرفتن ابتکار عمل در تنگنا قرار دادن حکمیت جمهوری اسلامی و دم و دستگاه اداری و نظامی و انتظامی آن در کردستان. مقابله با پروژه های این رژیم و کسب توانایی و آمادگی حزب برای جوابگویی در قبال هر اتفاق و شرایط اضطراری در کردستان و به دست گرفتن ابتکار برچیدن جمهوری اسلامی در شرایط مناسب آن.
3- متحد و قدرتمند کردن مردم در محلات. تبدیل محلات زندگی مردم

به محیط کنار زدن قوانین و موازین جمهوری اسلامی و عقب مانده و ناسیونالیستی. گسترش عملی و هدفمند سیاست کنترل محلات.
4- گسترش کمیته های کمونیستی و شبکه های حزبی در کارخانه و محیط کار و محلات و دانشگاه و مدارس و ... ، تبدیل کمیته های کمونیستی و شبکه های حزبی به محل اتحاد، شکل و قدرتمندی کارگران، زنان جوانان و مردم معترض در مبارزه شان علیه جمهوری اسلامی و رهایی از وضع موجود برای بهبود زندگی شان.
5- گسترش سرپرست واحد های گارد آزادی در محیط زیست و در شهرهای کردستان طبق قرار مصوب کنگره اول حزب
6- پایه گذاشتن واحدهای منظم و نیمه منظم گارد آزادی که قدرت ماثور و ابراز وجود متمرکز و علنی را در شرایط ضروری داشته باشند.
7- تداوم پروژه رهبران کمونیست در میان مردم.
8- نقد تیز و شفاف ناسیونالیسم و فدرالیسم و به حاشیه راندن این افق و سیاست در جامعه. مقابله قاطع و روشن با قوم پرستان و فدرالیستها و نیروهای سناریوی سیاهی و مزوری کردن آنها در جامعه کردستان طبق قرار مصوب کنگره
9- تداوم تلاش برای ایجاد تشکلهای کارگری و توده ای و تقویت نهادها و سازمانهای توده ای رادیکال موجود.

گسترش جنبش مجامع عمومی در محیط کار و زیست.
10- تبدیل تشکیلات کردستان به یک سازمان مدرن کمونیستی متکی به دیسپلین و استانداردهای سازمانی تماماً سیاسی و حزبی. شناخت موانع سد راه تبدیل شدن به یک تشکیلات سیاسی، توده ای و حزبی و نقد و کنار زدن این موانع.
11- تأمین امکانات مالی فعالیت های گسترده تشکیلات کردستان.

اکتبر:

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی پرچی برای سرنگونی حکومت اسلامی به شیوه آزادیخواهانه و انقلابی است. سازماندهی قطب چپ حول این پرچم در کردستان به چه معناست؟ و در این رابطه آیا اقدامات خاصی در دستور میباشد؟

رحمان حسین زاده:

سازماندهی قطب چپ حول منشور سرنگونی به این معنا است که جنبش اعتراضی چپ رادیکال و نهادها و سازمانهای متکی به این جنبش در جامعه میثابند این پلتفرم و مفاد آن را به عنوان قطب نمای مبارزه خود انتخاب کنند. حول آن صفوف جنبش و اعتراض خود را آگاهانه هدایت و متشکل کنند. دست است این پلتفرم پیشنهادی حزب حکمتیست در جنبش سرنگونی است، اما فقط پلتفرم حزب ما نیست. این پلتفرم هر حرکت و جریان آزادیخواهی

همسویی مبارزاتی خود تبدیل کنیم. علاوه بر آن ما در کنگره به احزاب و شخصیت های سیاسی فراخوان داده ایم منشور سرنگونی را مورد حمایت قرار دهند. این در مورد احزاب در کردستان هم صادق است. منشور سرنگونی روی میز هر شخصیت و حزب سیاسی قرار میگیرد که معتقد به اعمال اراده مردم و حرکت انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و معتقد به تأمین و تضمین شرایط امن و متمدن در جامعه ایران در پروسه سرنگونی است، تا نظر خود را در مورد آن اعلام کنند، امضای خود را پای حمایت آن بگذارند و اگر اینکار را نمیکند، توضیح دهند چرا؟

بویژه به این مسئله باید توجه داشت احزاب راست فدرالیست مثل حزب دمکرات و گروه سناریو سیاهی مثل سازمان زحمتکشان درست نقطه مقابل منشور سرنگونی به امید دخالت نظامی آمریکا و راه انداختن جنگ و پاکسازی قومی تحت لوای فدرالیسم میخوانند در کردستان به نان و نوایی برسند. در مقابل این قطب ارتجاعی، منشور سرنگونی آن پلتفرم انقلابی است که میتواند مبنای کانالیزه کردن و همسو کردن بخشهای مختلف جنبش اعتراضی و جنبش سرنگونی انقلابی جامعه برای کنار زدن جمهوری اسلامی باشد.

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

husienzade_r@yahoo.com
Tel:0046739855837

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com
Tel: 0046704007620

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیوندید!